نقش یک نقطه در قرائت کلمه و تأثیر آن در سقوط معنای شعر حافظ

سیم نیسیاری

چکیده
بعضی کاتبان نسخ‌های خطي دیوان حافظ و ازان جمله کاتبان سدی نهم هجری در اسر
کتابت به سبب شناخت کاری با پیامدهایی داشتن نقطه درقالب کلمه، برای نقطه در جای
صحیح این نشان دهنده یا یک راز از لحاظ اداخوانی است. 
درخوان دیوان حافظ برای هنگام استناد به نسخه‌های خطی این اشکال پیش
می‌آید که نسخه‌های را که یک نقطه حرف اول آن ساخته است نه می‌توان در دردسر
نشخشهای متن‌خر دید که در موضع یک نقطه فعل مثبت کتابت کرده‌اند و نه جزء آن
گروهی که این کلمه در آن نسخه‌ها معروف یک نقطه فعل است.
در ضمن سه نمونه که در این مقاله مطرح شده است، مشخص می‌شود که مصححان
دبیر حافظ نویستند با یک شکست معنی و تفسیری معنی از بعضی ایبات حافظ در کتابت
ان کلمه محل اختلاف بین به تفاوت بررسد. مسئلة این و عادات با یک نقطه نقطه خاص یا
جایی‌نگاری از منظرا یک چیز ویژه، مانند از یک است که چنین توافقي بی‌شمار یکدیگر می‌باشد.

کلید واژه‌ها: حافظ، دگرگاهی، دیوان حافظ، نقطه محدود در نخ خطي

* عضو بیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تاريخ دریافت: 94/12/24
تاریخ پذیرش: 94/11/24
فرشته زبان و ادبیات فارسی. جلد 21. شماره 7421. پاییز 94

عصمت‌الدین برادرزاده ۹۲/۱۲/۲۴
نقطه در خط فارسي یکی از اجزایی است که در تشکیل شکل مشخص حروف الفبای فارسی دخالت دارد. شکل ساده «ه» در خط فارسی، مستقلاً معروف هر حرف از حروف الفبای فارسی نیست، ولی با افزودن یک یا دو شا دغ نطقه در بالا و در زیر آن شکل ساده صورت‌هایی بی‌بت‌پرقوی هم شکل اول و وسط شش حرف از ۳۲ حرف الفبای فارسی را نشان می‌دهد.

همراه تفسیری گذشته که نوآوران برای بکارگیری شکل حروف الفبای فارسی برنمی‌دارند، سلسله‌دقت در کاربرد نطقه‌ها هنگام نوشتن حروف الفبای مطرح می‌شود و این الزام دقت در کاربرد صحیح نطقه‌ها در سال‌های بعد نیز هیچ‌گاه ضرورت و اهمیت خود را از دست نمی‌دهد.

از همان قرن‌های گذشته در میان سوادآموزان نیز کسانی بودند که نطقه‌ها را در حذف و نطق ونگاری در نوشته‌هایی که به جز فیزیک به مهارت خواهند و نوشتن تا همین هفتاد سال پیش چنین نمی‌گردد، به کار می‌برند. این نطقه به کار نرفته بود، ازجمله نشانه‌های سواد و نجار در زبان و مخ و واحدهای صفتی که آنها در مقایسه با سلیقه‌ای این افراد، شغل کتابخانه در تمام دوران پیش از رواج فن چاپ و مسئولیتی که آنان در ارائه ضبط صحیح می‌توانند، خواه شعر و خواه نثر، به عهده داشتن و نشر می‌کردند.

که دستنویس آنان در ارائه ضبط صحیح یک نوشته از هرگونه نقش و خطا می‌باشد. که به منظور آگاهی از واقعیت امر به دست‌نویس‌های موجود متعالی به ساده‌ترین هم‌جری و اختصاصاً به نسخه‌های خطی دیوان حافظ نگاهی می‌اندازیم. اگرچه معنی‌داری از کتابخانه و نوشته‌های از افرادی هستند که در این زبان فارسی و سلطنت به اصول و مبانی تحریز زبان فارسی بودند. در کتاب اشتباه به همین معنی مشابه، پیش‌بینی این فرم را به پنهانی از خط و اشتباه می‌داشتند و به همین نظر در کاربرد نطقه‌های حروف نیز دقت داشته که رعایت کرده‌اند. چنین بیان‌کننده یک با بسیار شباهت کاری در کتاب‌ها به مدلی باعث ایجاد یافته شد نطقه‌ها و تسامح در درج نطقه در چاپ‌گاه صحیح آن برای بعضی کتابخانه‌های دیگر است.

البته مسئله چند نطقه در قرآن برای این کتاب‌خانه مسئول نمی‌آورد و قرآن صحیح کلمه به سبب عبارات مشخص می‌گردد. اما مواردی که قرآن گفته‌ی نطقه در بالا یا پایین شکل با حرف در دریافت معنی عبارت تأثیرگذار است، مانند قرارگذاری نطقه در «ب» یا «پ» در ابتدا فعل.
تشکیل پته در قرآن کریم و تأثیر آن در سوق معاشی شرع حافظ، صص 16-7

در این مقاله سه نمونه درباب کاربرد همین دو حرف متبین در آغاز فعل و چگونگی پرخورده مساحان دیوان حافظ با این نتایج املا مطرح می‌شود:

نمونه اول: چهین حیرتم از دست نش دسر فاره کار» یا از دست بند؟

این بیت مأخوذ از غزه است که مطلوع چهین است:

عاشق روی جوانتی خوش‌نواختنام، وز خدا شادی این گی به دعا خواسته‌ام

حافظ در مطلع این غزل از عاشق شنن خود از شاعری که به گم‌هم راسته-

سخن می‌گوید، ولی از استیلای این غم به مسرت استقبالی یک کد و شادی این غم گردد دعا از خدا خواستار می‌شود. در بیت پنج غزل می‌گوید متن در این سودای عشق مغبون و

زبان کار نیستم و به عبارت دیگر (امروز از کلمات متن این بیت) سود و صرفه‌سازی عشق از دستم خارج نشده است، زیرا آن‌چه از دل و جانم کاسته، در مقابل به غم (به این غم

شادی شنن) افزوده است. این بیت در بیشتر نسخه‌های خاطی و نیز در غالب متنون چاپی به

این صورت نقل شده است:

با چهین حیرتم از دست بشد صرفه کار

در گزارش دکتر دکترانیه در طراحی حافظ ملاحظه می‌شود که از مجموع 35 نسخه

خطی که این غزل در آن منابع مندرج است، کاتبان ۲۲ نسخه از دست به‌دست‌نشده‌اند.

در دو نسخه خطی سده نهم (کجا، مهج موسیقی، صد صد، یک نسخه نمی‌باشد) این بیت «از

دست ننده» ضبط گردیده است. در سه نسخه طوی کچ کد حرف اول بی نقطه است

(نیسرا، ۱۳۸۵/۸۱۳۱۲).

برپاس این است که پیام غزل یادشده، که می‌توان عنوان «شادی غم» را برابر آن

برگزید. با کدام یک از عبارات از دست بشد صرفه کار» یا از دست ننده... سازگار و

مطلق است. در دویوان حافظ به تصحیح علامه محمد قربانی متن بیت به این صورت نقل

شده است:

با چهین حیرتم از دست بشد صرفه کار

مسمود فرزاد در جریان بررسی اختلاف کلمات در غزل‌های حافظ دربار چهین نویسی

می‌دهد:

متن: «شند» - م. و. ب. ب. «شند» به مناسب سیاق معنی مصرو دوم روشن است که

اینجا متن «شند» صحیح است و «شند» درست معکوس معنی مطلوب را می‌رساند. ولی

عجیب است که این نسخه مدل در سه نسخه خاطی مستقل ضبط شده است (فرزاد، ۱۳۴۹، 1۳۴۹).
تصویب می‌شود که فضاهای ضبط نسخه اساس خود، نسخه می‌شود (نشانه م) را که از دست نشده است مقبول نیافته و قرانت از دست بندی را برای مدت مصحح خود دیگر همکاری است.

در سال ۱۳۴۸ میلادی، از دیوان حافظ، براساس یک نسخه خطی منتقه به مجلس شورای اسلامی، بیت پیش‌گذشته به همان هیئت سال‌های قبل و متداول‌ترین و جامع‌ترین جزئیات، با نام «سیب زمینی» در دو جلد سه‌گانه‌ای منتشر شد. در هر یک از جلد‌ها، توسط مدیران و نویسندگان، گزارش‌هایی از محتوای مختلف، مخصوصاً از نظر کیفی و کمی، برای هر کتاب نظر سنجی و پیامبرانه در هر کتاب این جلد‌ها منتشر شده است.

بیان‌هایی می‌شود که در قسمت معرفی نسخه‌بان‌ها قرانت متدرج در نسخه ج ۱۱ (۸۲۱) که سومین است. از قلم ایف‌آمی (تالیف انگلیسی، ۱۳۷۴: ۷۲۹-۷۳۰).

در کتاب نظیرهای حافظ اساس چشمه‌نشینه نسخه خطی، در بهترین نسخه‌های موجود برای نخستین بار در بیت مزبور قرانت «نشان» احترام شهره است (بیماری، ۱۳۷۱: ۳۱۷).

در مقامه جلد اول دفتر دکتران‌های حافظیه حافظ که در سال ۱۳۵۳ به کوشش انتشارات سروش به چاپ رسید و در نظر فرق و تکمیل دیگری به نشان و به‌صورت است که قسمتی از آن به این شرح است:

در نوار حمیلت با یکبچه بودنی یک نقطه است که در آن به‌صورت سیب‌زنبوری دنبال‌شده، وظایفی این کتاب جهت وجود آن مهم می‌شود. در متواری فعل «نشان»، فعالیتی که می‌تواند در جایگاه‌هایی که در این بیت «نشان» نوشته‌ای به‌صورت پیام‌برانه روشن می‌شود و به جای اطلاعاتی که در افزایش قدرت جدید و پیشرفت در سیاست‌های مشتری و ایمنی نشان‌دهی آن سیاست‌های و در نظر داشته شده است که در این دیده‌بینی از نظر نهایی کتیبه‌بندی، در حیرت و سرگرمی به سر مبهم، اما چیزی از دست نداده‌ایم؛ زیرا هرچه دور و جان، و افزودن کاسته در عوض به‌صورت، قرانت می‌شود، این دیده‌بینی که در تقابل میان کاسته، از دل و جان و افزودن...
در حال حاضر به سبب‌هایی که در سال ۱۲۷۳ منتشر شد، مصحح با پذیرش‌النافع پلاس «نقد» بیت‌‌رای به صورت‌یا چنین خبرتی از دست‌نشد صرفة کار ۷ در متن دیوان درج گردیده است. در یکی از مراحل اجرا گذشته‌ها این غزل پیش‌بینانه قرآن، از «دست‌نشد» نشیه شمرده شده است. ۷ (مورخ ۲۱۱ معرفی شده و در مقدمة دیوان درباره دلیل ترجمه این قرآن به قرآنت از دست‌شد» که تنها بر شنخه است توضیحی افزوده نشده است. (ابن‌الهاف، ۱۳۷۲، ۳۲۱). در سال ۱۲۷۸ دیوان حافظ براساس متن جاب علامه قزوینی با تلفیقی از چهار متن چاری دیگر به تصحیح هاشم جاوید و به‌علت خرسه‌آمیزی منتشر شد. در متن غزل، ۳۱۱ همان قرآنت «با چنین خبرتی از دست‌نشد صرفة کار» درج شده و در حاشیه‌مندی توضیح‌انی در مقایسه معانی بیت براساس ضبط علامه قزوینی و خاتمی و ضبط گرینش نبستاری و سایه بیش‌بینانه شده است که اگر این هر دو ضبط را به هم بپایان‌دهیم چنین می‌شود: «با چنین خبرتی از دست‌نشد صرفة کار» یعنی مسیر در کار، عشق با خبرتی که درام با هم زبان نکردند.» (جاودان، ۱۳۷۸، ۳۲۱). گفتنی است که در هشیجی که از پنجاه نسخه خلیف (متابع دفتر نگارسی، ۱۳۸۷) چنین قرآنی درج نشده است.

در سال ۱۳۴۸ کتابی دیگر عنوان حافظ برتر کدام است؟ نوشتند رشید عیوضی منتشر شد، در این کتاب درباره اختلاف دو کلمه «خبرت» و «خبرت» در بیت‌بیش‌گفته چنین استنتاج‌شده است:

هرچه می‌اندیشیم جز وازه «خبرت» وازه دیگری در این بیت مناسب‌سازی ندارد. «خبرت» هم با اجزای بیت عنی «صرفه کار» و «فورودن» و «کاستن» مناسب است و هم با مضمون بیت دوم غزل عنی «شکست و رنگ و طنزارش و می‌گویم فاش همیشه نکان مزبور اختیار ضبط یک نسخه را در این مورد صحیح دانستیم و در متن «خبرت» آورده‌ایم.

در این کتاب درباره اختلاف مفهوم فعل «نشد» با «نشد» در جدول کلمات یک‌یک بیت توضیحی داده شده و بیت مزبور به این صورت ضبط بر یک‌سان‌شته شده است:

با چنین خبرتی از دست‌نشد صرفة کار
در غم افروزده ایش از دل و جان کاسته‌اند
(عبوری، ۱۳۴۸، ۲۵۶-۲۴۷)
نمونه دوم: "عبوس زهد به وجه شمار نشیند" یا "بنشیند"؟

خالخی در جلد دوم دیوان حافظ در بخش "بعضی از لغات و تعبیرات" ذیل عنوان

عبوس زهد» نوشته‌اند:

"عبوس زهد به وجه شمار نشیند"

در آخر مصاعل اول این بیت تصحیح قیاسی کرده و به خلاف همه نسخه‌ها که این کلمه را "بنشیند" نیست کردهاند، صورت "بنشیند" را ترجیح داده‌اند: زیرا که به گمان من معنی بیت این است که زهد که عبس سمی اخیالی است، مانند مردمان خمارده جلوده می‌گن. برخلاف فرقة دردکشان که خوش‌خویند..." (ناثل خالخی، 1367: 207)...

در مقدمه دیوان حافظ به سعی سایه نوشتار شده است: «...گمان می‌کنیم صورت بیت با قول "بنشیند" صلحی باشد. "بنشیند" هم مفهوم فعل مضارع (الترامی‌الخیاری) را می‌سازد و هم صادق دعاها (بنشینند) را به ذهن می‌آورد و شاید "وجه شمار نشیند" معادل همین اصطلاح امروزی باشد که می‌گوید خماری بکشند. در این صورت دبیر احتیاجی نخواهد بود که عبس با ضم اول و به معنی ترشحوی بخوانیم. همین مطلب را سال‌ها پیش شادرون استاد خالخی در میان گذاشته و تصحیح قیاسی ایانش گویا تایید این حس بوده است" (مقدمه، 1373: 25 مقدمه).

در دیوان حافظ با قرائت کرگی هاشم جاوید و به‌حالدن خم‌شاهری نه‌نز در این بیت قرائت "وجه شمار به‌شینند" برگزیده شده است.

در مقابل این سه جواب که در این بیت قرائت "به وجه شمار نشینند" را برگزیده‌اند، در سه من دیگر (چاپ علامه قروینی، دیوان حافظ براساس نسخه‌های خلیفه سده نهم، 1277، و دیوان حافظ به تصحیح رشید عوضی، انتشارات امیرکبیر، 1385) عبارت "به وجه شمار نشینند" درج شده است.

گزارش دفتر دیگری‌ها دسته‌ی این است که در مجموع 33 نسخه خطی سده نهم که این بیت در آن نسخه‌ها مطلق شده اند، کتاب نسخه‌خانه‌ای چنین نطقه‌‌ای بی‌اختیار در هر فوراً اول در کلمه "بنشینند" کشانده است: به این نسخه‌های اصلی دو حرف اول به نطفه این است. کتابنامه 31 نسخه دیگر به طور واضح "بنشینند" نوشته‌اند و در هیچ نسخه خطی "بنشیند" کتاب نشده است.

(نیسائیر، 1385: 126/2/1367).

در ازگان غزل‌های حافظ کلمه "خمار" تعداد کمی مسیح که جمع‌جویی می‌بینیم... این حالت خمار گاهی هم خوش و مطبوع توصیف شده است: "به مسیح مکتباً عقل و مسیح خمار خوش."
نمش که نطقه در قرآن، ممنو و تأثیر آن در سوق معنایی شعر حافظ، صص 16-17

از این رو، قیافه عباس زاده و حالات خمار نانشی از مسئیت یکی نیست و نمی‌تواند در یک
چهره جمع شود. معنی بیت این است که در تحور زاده به جهانی خمار نام نشیند، معنی با
هم جور نیست و چا نمی‌افتد. ضبط بیشتر نسخ در این بیت "ننشینه" واقعی به مقصود
است و تابع‌نمای تصحیح قیاسی نیست.

نمونه سوم: "تو مگر بر لب آبی به هوش ننشینه" یا "ننشینه"؟
در چا علامه قزوینی مطلع غزل شماره ۴۸۲۴ به این صورت درج شده است:

تو مگر بر لب آبی به هوش ننشینه
ورنهر فتنه که بینی همه از خود بینی
در پاروئی افزوده شده است:
چین است به ایها فل در جمع نسخ خطي که نزد این جانب موجود است، از قدیم و
جدید اقتصاد، بعضی نسخ چاپی، "ننشینه" (با تنو) و ان ترتیف است ظاهر و
مقسوم شعر واضح است. معنی اگر خواهی که فنهای که در جهان از برخاستن خود بریا
کردیده ننشینه، بايد لحظهای بر لب آبی به هوش ننشینه وره، معنی اگر خیرشی، هر
فتنه که بینی همه از خود بینی و این هم‌ ضمانی اتست بیمار شایع نزد شعر. سعیدی گوید:

بنشین یک نفس ای فتنه که برخاست قیامت
قنده نادر بنشینه جو نمو در حال فیزی
و یپ گوید:
ای یک شخص مربایان
بنشین که هزار فتنه برخاست
(قاتربنی، ۱۳۴۳) ۱۳۷۳

در دیوان حافظ اجازه خاتمی نبی به همید صورت "به هوش ننشینه" نقل شده است. در
غزالی حافظ براساس چهارموده نسخه خصی سده دهم، (۱۳۷۴) و در حافظ به سعی سایه
در این صورت "به هوش ننشینه" قید شده و در مقام این توضیح افزوده شده

است:

در نسخه‌ها هر دو صورت "ننشینه و ننشینه" امده است و بی‌شک "ننشینه" صحیح

است. توجه محترم به تمام بیت معنی می‌کند که صحیح از فنهایی فتنه که به قائم
معموق و برخاستن آن نسیت می‌دهد و ان مضمون بسیار رایج نزد شعر ربطی به مضمون
این بیت ندارد. وگرنه بل آبی به هوش ننشینه و... (صفحه ۲۵ مقدمه).

در دیوان حافظ، قرآن زکریایی انتقاداتی به کوشش هاشمی‌چاودی و پهالادین خراسانی، برای
منصوب اول این بیت قرآن "به هوش ننشینه" اخبار شده است و در پاروئی این شرح
افزوده شده است:

... بهفوری می‌کند این بیت می‌تواند، بی‌ستم که "ننشینه" می‌تواند این معنی را داشته
باشد که بر لب جویی به هوش نمانا و عصرت بنشین نا فتنه‌ها بهبنشین وگرنه اگر
تعارض در معرفي ضبط نسخه‌ها خطی و احتمال آمار ضبط اکثر نسخ

در مقدمه دفتر دکترسی‌ها، در غزه‌ها حافظ دربار نشان دادند که ترتیب ضبط اکثر نسخه‌ها این توضیح آمده است:

اصطلاح «ضبط اکثر نسخه» در شرایطی مفهومی است که در هر مداخل دخالت دارد در جوار هم‌دیگر و قرار گیرد. بنابراین، به هرکس و متقاضی قراردهای که براساس تعداد حروف و معنی از نسخه‌ها مطرح باشد، ته نشان دهنده مشروطی را ارائه می‌دهد که ممکن است استفاده از م🔚ب متغیر در آن مداخل، از بین مختصات در حال نگاه قرار دهد (دیسری، 1385: 16).

ملاحظه: گزارش مصححان دیوان حافظ دربار قرآن «بنشینی» با «بنشینی» برای روایتی با چنین حال مصداق روشی منظور می‌گردد:

این غزل با مطلع «تو مگرب بر ام به‌هوس بنشینی» در جهان خانلری مستند بر ده نسخه است. در ضمن توضیح اختلاف نسخه‌ها برای چهار نسخه ضبط متفاوتی دریافت شده و درنتیجه قرآن «به‌هوس بنشینی» در این چاپ که مستند به شهر نسخه است ضبط اکثریت نسخه منظور گردیده است.

در جهان سایه برای این غزل شانزده مربع معرفي شده است، ولی پشتونه قرآن متن (به‌هوس بنشینی) تنها با شناسایی دو منبع مشخص شده است. معنی همان دو منبعی که در جهان خانلری ضبط آنها با شناسایی «الف، م: بنشینی» معرفی شده است.

در کتاب حافظ برتر کلمه‌ای، ضمن به آن اختلاف نشان دهنده ضبط این پیت چنین نوشته شده است که: «از نشانه کهین، شس نشانه صراجی «بنشینی» دارد، دو نسخه نطق حرف اول را ضبط نکرده‌اند و آنها به‌کسی نشانه «بنشینی» دارد» (عوضی، 1384: 523).

اگر همین مقدار معلومات در اختیار پژوهنده متن غزل‌های حافظ قرار گیرد، طبیعی است که قرآن «بنشینی» را ضبط اکثریت نسخه محصول می‌کند و قرآن «بنشینی» با پشتونه تنها یک نسخه در اقلیت محس قرار می‌گیرد.
نتیجه‌گیری

مطافی آنچه بحث شد، اگرچه محدودی از کاتیان باسواد و مسلط به اصول و مبانی تحریم زبان فارسی در کتابت می‌تواند که منفی به پرهیز از خطای و اشتیاق بوده‌اند، به نظر می‌رسد که با به‌سپری مشابه‌کاری با به‌دلیل بی‌اعتقادی به نقشه نقطه، حذف به‌عسی نقشه‌ها و نسبی در درج نقشه در جایگاه صحیح آن برای برخی کاتیان عادی به‌وده است؛ این نتایج و عدم تصدی در درج نقشه، مصححان دیوان حافظ را به‌پیش هنگام استفاده به ضبط نقشه‌های خلی با اشکال مواجه می‌کند؛ به‌طوری که گاهی تصادف مشکل صحیح کلمه را حتی براساس روش تصحیح قبیلی بسیار دشواری ناممکن می‌سازد. همان‌گونه که در مقاله حاضر درباره

تقصیح تحلیلی سه نمونه از ابزار به‌جانگیز حافظ به‌فصل ابزار، در تصحیح دیوان حافظ همچنین که براساس روش‌های علمی به‌جمع‌آوری نقشه‌های خلیه همسر با‌سوزاد شناخت و تفاوت آن می‌پژوهی، ناگریزی به‌فروپ‌هار غزال، لحن‌بیان و دیگرگونه حافظ و معنای کلمات در قاموس دیوان حافظ و اساساً ویژگی‌های سبکی غزال حافظ نیز توجه ویژه داشته‌باشیم.

پیوندی

1. ر.ک.نیمایی، ۱۳۸۵: ۳۱-۴۴، توضیح آن «کا» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۳۸۱ هجری قمری، سو» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۴۲۳ هجری قمری، سو» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۶۸۶ هجری قمری. «کا» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۹۹۹ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری، «سن» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۸۴۲ هجری قمری.

2. ر.ک.نیمایی، ۱۳۸۵: ۳۱-۴۴، توضیح آن «طی» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۴۲۳ هجری قمری، کا» مخفف نسخه خلی به‌ارتباط کتاب ۳۸۱ هجری قمری.
زبان و ادبیات فارسی، سال ۶۱، شماره ۷۵

۳ یک فرمان ۱۳۴۹، ۲۸-۱۲۰۶، توضیحات اینکه هم، «ب» به ترتیب مقایسه نسخه خطی با تاریخ
کتابت ۸۵۳ هجری قمری، نسخه خطی با تاریخ تاریخ کتابت احتمالی ناامن اول قرن دهم هجری قمری و نسخه
خطی با تاریخ کتابت احتمالی ناامن قرن دهم هجری قمری است.

منابع

اینچه، هوشنگ (۱۳۷۷) حافظ به سهایه. تهران: هوش و اینکار و چشم و چراغ.
اهشار، ایرج (۱۳۷۸) دیوان کهنه حافظ. تهران: این سینا.
جاود، هاشم و بهاءالدین خمراهی (۱۳۷۸) دیوان حافظ. تهران: فرمان.
عبوی، رشید (۱۳۸۴) حافظ بزرگ کلمات است. تهران: امیر کبیر.
فرزاد، مسعود (۱۳۷۹) حافظ مبتکر کلمات و اصلین غزل‌های شیرازی: دانشگاه شیراز.
کریمی، محمد و قاسم غنی (۱۳۷۷) دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، بی.پنا.
نیساری، سلیم (۱۳۷۱) غزل‌های حافظ از پاسه چهل و سه نسخه خطی سده نهم. بی.پنا.
در (۱۳۷۱) دفتر دیگری‌ها در غزل‌های حافظ. تهران: سروش.
در (۱۳۸۵) دفاتر دیگری‌ها در غزل‌های حافظ. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.